

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۶۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱ شهریور ۱۴۰۱ • ۲۵ محرم ۱۴۴۴ • ۲۳ آگوست ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۵۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۰۳
اذان صبح فردا ۵:۰۱ • طلوع آفتاب ۶:۳۰

# شرق

دیالوگ روز

**شوالیه تاریکی برمی‌خیزد - کریستوفر نولان - ۲۰۱۲**

بین (تام هاردی)؛ به دلیل هست که این زندان، بدترین جهنم روی زمین؛ امید! هرکی در طول قرن‌ها اینجا زندانی بوده، به نور نگاه می‌کرده و بالا رفتن از دیوار به سمت آزادی تو تصورانش بوده، چه آسون، چه ساده! خیلی‌ها در حال تلاش مردن! من اینجا متوجه شدم که بدون امید، آدم نمی‌تونه یأس واقعی رو تجربه کنه! پس وقتی به زور بر گاتهام مسلط بشم، به مردم امید وا‌هی می‌دم تا روحیه کاذب بگیرن. اونا رو به این باور می‌رسونم که می‌تونن نجات پیدا کنن، تا وقتی دارن عا‌جزانه از هم تقاضا می‌کنن که او تآفتاب بمونن، بتونی تماشاشون کنی! می‌تونی وقتی دارم کل شهر رو شکنجه می‌دم، تماشاام کنی!

### چند تصویر از یک کشور

## رواندا؛ از جنگ‌های داخلی تا ثبات و رشد اقتصادی



محمود فاضلی

رواندا دهه‌ها یکی از پرمشکل‌ترین کشورهای آفریقایی بوده است. این کشور با جنگ‌های داخلی قومی مخرب به ویرانه‌ای تبدیل شده بود. جمعیت رواندا به سه گروه قومی متمایز تقسیم می‌شود که دارای زبان مشترکی هستند. قبیله «توا» کمتر از یک درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و به ندرت دیده می‌شوند.

قبیله «هوتو» ۸۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند؛ اعضای این قبیله نخستین ساکنان رواندا بودند و همواره به کشاورزی اشتغال دارند و ساختار سیاسی سستی دارند و پیرامون رؤسای طایفه متمرکز هستند که این مسئله آنها را در برابر تهاجم خارجی به‌شدت آسیب‌پذیر می‌کند. بیش از ۴۰۰ سال پیش مردم اشرافی که «تونسی» نام داشتند، رواندا را تصرف کردند. اگرچه آنها هرگز بیش از ۱۵ درصد جمعیت را تشکیل نمی‌دادند، ولی سازماندهی سلسله‌مراتبی آنان که پیرامون پادشاهی به نام «ام وامی» ایجاد شده بود، ایجاد طبقات جنگجوی ویژه و مهم‌تر از همه گله‌داری به آنها امکان تسلط بر «هوتو» را داد. ابتدا کشور در اختیار آلمان‌ها و سپس تحت قیمومیت بلژیکی‌ها قرار گرفت. سازمان ملل در ۱۹۴۶ قیمومیت این کشور را به بلژیکی‌ها واگذار کرد. هوتوها تحت کنترل بلژیک و آلمان به حاشیه رانده شدند، ولی تونس‌ها مورد لطف اربابان استعمارگر قرار گرفتند.

**آغاز تنش‌ها وخون‌تاب**

اختلافات میان تونسسی‌ها و هوتوها در سال ۱۹۶۹ آغاز دور جدید تنش‌ها بود. اختلاف بر سر جانشینی پادشاه جدید موجب موجی از خون‌تاب شد. همه‌پرسی ۱۹۶۱ تحت نظارت سازمان ملل با پیروزی حزب «پارمه هوتو» با ۸۰ درصد آرا و رد قاطع نظام سلطنتی همراه بود. درگیری‌های ادواری میان هوتوها و تونسسی‌ها موجب گریختن هزاران نفر نشد. این کشور در ۱۹۶۴ مستقل شد و اکثریت هوتو حکومت را در دست گرفت. تونسسی‌ها در تبعید جنبش چریکی برپا کرده و خود را وقت سرنگونی حکومت رواندا و احیای نظام سلطنتی کردند. در ۱۹۷۳ سرلشکر «جوونال هابیاریمانا» با کودتای نظامی به‌عنوان رئیس دولت به قدرت رسید. این کودتای پاسخی به سیاست‌های حکومت «کانپیاندا» بود که طرفدار سیاست ریاضت و استمرار سیاست‌های سخت‌گیرانه حفاظت از خاک بود. قانون اساسی جدیدی که در سال ۱۹۷۸ به تصویب رسید، حکومت غیرنظامی را دوباره برقرار کرد و دولتی تک‌حزبی بر سر کار آمد. تونسسی‌ها در ۱۹۹۰ که عمدتاً تبعیدی بودند، به رواندا حمله کردند و جنگ را از سر گرفتند و بر کشور مسلط شدند. حدود دو میلیون نفر که اکثراً «هوتو» بودند از کشور گریختند و در زنجیر و کشورهای همسایه مستقر شدند. موج مهاجرت‌ها در سال ۱۹۹۴ از کشور ادامه یافت.

**قربانیان نسل‌کشی رواندا**

در جریان نسل‌کشی‌ای که در روز ششم آوریل ۱۹۹۴ آغاز شد و بیش از سه ماه به طول انجامید، تقریباً ۸۰۰ هزار نفر از میان تونسسی‌ها و هوتوی‌های میان‌رده، در شعله‌های نفرت قومی جان باختند. جوونبال هابیاریمانا، سیاست‌مدار سرشناس اهل قوم هوتو بود. اعضای این قوم، اقلیت تونسسی را به دست‌داشتن در سقوط هواییامی رئیس جمهوری وقت متهم کردند. هواییامی حامل رئیس‌جمهوری وقت ششش آوریل سال ۱۹۹۴ هنگام فرود در فرودگاه کیکالی، پایتخت رواندا، مورد اصابت دست‌کم یک فرودن موشک قرار گرفت و سقوط کرد. بازرسان پرونده تحقیق درباره سقوط هواییامی دلیل تصمیم خود برای اعلام ختم دادرسی را نبود «شواهد کافی» عنوان کرده‌اند. شماری از نزدیکان پل کاکامه، رئیس‌جمهوری کنونی رواندا، ازجمله افرادی بودند که نامشان در این پرونده به میان آمده بود. در سال ۱۹۹۴، شمار زیادی از مردم مظنون به مشارکت در این نسل‌کشی بودند. این تعداد به صدها هزار نفر می‌رسید و برای محاکمه رواندا دادگاه‌هایی در روستاها برپا شد و بیش از یک‌ونیم میلیون نفر محاکمه شدند؛ پدیده‌ای که ۱۰ سال به طول انجامید. این دادگاه‌ها با هدف پذیرش کسانی که در نسل‌کشی بودند برپا شد تا به آنچه انجام داده‌اند، اقرار کنند. به این معنا که می‌توانستند در صورت احکام تخفیف دهند. دولت رواندا تصمیم به پایان تمایز قائل‌شدن میان تونسسی‌ها و هوتوها گرفته بود. بیشتر مجرمان و رهبرانشان دستگیر شدند و به وسیله دادگاه کیکیری بین‌المللی برای رواندا که در تانزانیا برپا شد، محاکمه شدند. همه آنان گناهکار شناخته نشده و حکم محکومیت طولانی دریافت نکردند. برخی از احکام در دادگاه تجدیدنظر کاهش یافت. برخی از فراری‌ها نیز بازداشت نشدند. در نهایت، برخی از رهبران آنان همچنان در تبعید و در کشورهایی هستند که اجرای عدالت در موردشان به کندی صورت می‌گیرد.

**رواندا در مسیر توسعه اقتصادی واجتماعی**

اگرچه پس از این حوادث اقتصاد این کشور نیز ویران شد، اما رواندا توانست در ۲۸ سال گذشته با استفاده از کمک‌های خارجی به ثبات نسبی دست یابد. رواندا با وجود آنکه در سال‌های اخیر فقر را ۲۵ درصد کاهش داده، اما هنوز ۴۵ درصد از جمعیت ۱۱ میلیون نفری آن زیر خطر فقر زندگی می‌کنند و برای تأمین ۴۰ درصد از بودجه خود به کمک‌های بین‌المللی وابسته است. تولید قهوه و افزایش صادرات این محصول یکی از اهداف اصلی رواندا برای افزایش درآمد است، اما برای رسیدن به این هدف، اصلاح زیرساخت‌های کشاورزی و همچنین گسترش شبکه برق ضروری به نظر می‌رسد. آموزش به یکی از نقاط قوت سیاست‌های دولت این کشور در سال‌های اخیر تبدیل شده است. بیش از ۹۶ درصد از کودکان در این کشور به مدرسه می‌روند و با اجرای سیاست «هر کودک یک لپ‌تاپ»، آشنایی با انفورماتیک یکی از ملزومات برنامه آموزشی است. نزدیک به دوونیم میلیون کودک در کلاس‌های خود با کامپیوتر آموزش می‌بینند. توسعه بخش خدمات اجتماعی و درمانی نیز برای آموزش نسل زیر ۲۵ سال در برنامه‌های بلندمدت در روانداست.

رواندا با قرارگرفتن در مسیر صحیح توسعه اقتصادی، به «سنگ‌پارو دوم» تبدیل شده و توانسته در دو دهه اخیر با بهبود شرایط حکمرانی، به اهداف خود در زمینه مهار تورم، رشد اقتصادی بالا و بهبود فضای کسب‌وکار دست پیدا کند. کاکامه، رئیس‌جمهوری کنونی رواندا، در سال ۲۰۰۰ پس از اینکه او و نیروهای شورشی‌اش نسل‌کشی را در سال ۱۹۹۴ پس از صد روز قتل که منجر به کشته‌شدن حدود ۸۰۰ هزار نفر شد، متوقف کردند، رئیس دولت شد. او ثبات، امنیت و رشد اقتصادی را به لطف کمک‌های بین‌المللی برای کشوری ازهم‌پاشیده به ارمغان آورد. منتقدان کاکامه او را به‌عنوان عامل تضعیف دموکراسی و سرکوب مخالفان متهم می‌کنند و حمایتش او را به‌دلیل پایان‌دادن به نسل‌کشی و ایجاد ثبات و رشد اقتصادی در رواندا نتجید می‌کنند.

«دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل بین‌الملل



قادر یاسانی

پژوهشگر علوم ارتباطات اجتماعی

نمی‌دانم شما هم مواجه شدید یا نه، چند وقتی است من در محیط‌های عمومی شهر، صحنه‌های نامعمولی از روابط دخترکان و پسران در انظار عمومی می‌بینم؛ حرکاتی اروتیک که مختص خلوت و پستوست است و آنها بی‌اعتنا به رهگذران، عاشق و معشوق به کارشان مشغول‌اند. شاید دلیل این پدیده اجتماعی، در بی‌عملی و فقدان راه‌حل دولت -به مفهوم عام- برای نیازهای فطری و طبیعی جوانان و تأکید بر ممنوعیت و لاجرم فراموشی بستر عصیان‌تدریجی نسل جدید باشد.

گسترش ارتباطات زمینه را برای تغییر در دامنه روابط انسان‌ها از جمله روابط خصوصی مهیا کرده است. در گذشته، فاصله میان سنن بلوغ با وقت ازدواج چندان طولانی نبود و خانواده‌ها از طریق کنترل اجتماعی، این روابط پیش از ازدواج را تنظیم می‌کردند. با پیشرفت صنعتی و تغییرات بزرگ در زیست انسانی، همه چیز دگرگون شده است. فاصله بلوغ تا ازدواج خیلی بالا رفته و روابط دختران و پسران دچار تغییرات عمده شده است. در ایران، این تغییرات با الگوی دولتی تضاد جدی دارد و همین امر خانواده‌ها، جوانان و متولیان امر را با چالش‌های انکارناپذیر مواجه کرده که هرچه می‌گذرد، بیشتر اسباب زحمت و دردسر می‌شود.

در کشورهای دیگر، عموماً دولت‌ها کاری با زندگی شخصی مردم ندارند و به رتق و فتق امور حاکمیتی می‌پردازند. ما الگویی خاص از زیست انسانی عرضه کرده‌ایم تا جامعه با این الگو سعادتمند شود. فقه خود را پویا می‌دانیم و آن را پاسخ‌گو به هر نیاز بشری -در هر شرایط و هر زمان- این انرسانیست. اکنون راه‌حل ما برای پاسخ‌گویی به نیاز جوانان چیست؟ به‌طور معمول ازدواج را به‌عنوان راه‌حل پیش پای جوانان می‌گذاریم.

زنان

## ما فقط صلح می‌خواهیم

هفته پیش اکثر رسانه‌های جهان درباره یک سال حضور طالبان در افغانستان نوشتند و از ابعاد مختلف به این مسئله پرداختند. در این میان جایگاه زنان و نقابات‌های چشمگیری که در این مدت برایشان رخ داده بیشتر مورد توجه قرار گرفت. یکی از گزارش‌هایی که نوشته شده بود، درباره زنان کارمندی بود که دچار مشکلات مختلف شده‌اند و الجزیره درباره آینده نامعلومشان نوشته بود. این گزارش درباره زنانی است که در آزمایشگاه شیمی و در یک کارخانه تولید کود در شمال افغانستان برای حمایت از خانواده‌های خود، در تغییرات پس از بازگشت طالبان کار می‌کنند. نویسنده گزارش به مزارشریف رفته و با «آرزو نوری» و همکارانش که در حال کار بودند، گفت‌وگو کرده است. «نوری» یک لیوان را به سمت نور پنجره گرفته و به آرامی آن را می‌چرخاند، محلول شروع به تغییر رنگ می‌کند. نوری و شش نفر از همکارانش در اتاقی با سقف بلند درحالی‌که رویوش‌های آزمایشگاه و دستکش‌های لاتکس پوشیده‌اند، مشغول یادداشت‌برداری هستند و دستگاه‌های اندازه‌گیری را که ظاهری قدیمی دارند، کنترل می‌کنند. در میان صدا جیرجیر ظریف ظروف شیشه‌ای و خطخطی مداها، اتاق فضایی آرام دارد.

نوری، ۳۰ساله، یک تکنسین آزمایشگاه در بزرگ‌ترین کارخانه شیمیایی افغانستان است که در خارج از شهر شمالی مزارشریف در استان بلخ کار می‌کند. او به آرامی صحبت می‌کند اما با اعتمادبه‌نفس رفتار می‌کند.

این کارخانه که کود اوره را برای کشاورزی تولید می‌کند، از زمان اشغال افغانستان توسط شوروی از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ ساخته شده است. امروزه این کود در کیسه‌های تازه طراحی‌شده با علامت محصول امارت اسلامی افغانستان بسته‌بندی می‌شود. بر فراز مزارع سرسبز، دودکش‌های کارخانه، برج‌های خنک‌کننده و نماهای صنعتی زنگ‌زده که تضاد کاملی با خانه‌های ساده و آجری تک‌طبقه‌ای دارند که در اطراف قرار دارند، به چشم می‌خورد.

نوری پس از فارغ التحصیل‌شدن از مهندسی شیمی در ۳۳سالگی در این کارخانه به‌عنوان دستیار آزمایشگاه شروع به کار کرده است و همیشه برای این موقعیتی که سخت برای آن درس خوانده، احساس افتخار

اما خود نیک می‌دانیم که شرایط مهیا نیست و غالب جوانان امکان انتظار برای ارضای نیاز تا وقت ازدواج را ندارند. برابر آمارهای رسمی، متوسط سن ازدواج پسران، حدود ۳۰ سال و برای دختران ۲۵ سال است. یک پسر و دختر، دست‌کم ۱۵ فاصله از نیاز تا ازدواج دارند. ما چه تمهیدی برای این دوره اندیشیدیم؟

توصیه عمومی ما به جوانان، تقواییشه‌کردن ازدواج بود. اما به مرور زمان این توصیه‌ها برای نوجوانان و جوانانی که زندگی در جامعه جدید را تجربه می‌کردند، جوابگو نبود. برای همین متفکران دینی ما راه‌حل ازدواج موقت را ارائه دادند. همچنین شهید مطهری، هاشمی‌رفسنجانی و شهید بهشتی، طرح‌هایی برای ساماندهی این موضوع پیشنهاد کردند، اما ازدواج موقت و طرح‌های دیگر، با این دلیل که آسیب‌هایشان بیشتر از فوایدشان است، با مخالفت تند و شدیدی روبه‌رو شد؛ به همین دلیل هم در ردیف طرح‌های ناکارآمد و مسکوت باقی ماند.

برخی این دگرگونی را حاصل تقلید از غرب می‌دانند، اما انتساب این تحولات به توطئه غربی‌ها، فرافکنی و نادیده‌گرفتن صورت‌مسئله و عوامل آن است. راه‌حل ما برای جوانان چه بوده؟ واقعاً ما نتوانستیم راهکاری ارائه بدیم. خودمان هم می‌دانیم که توصیه به پرهیزگاری، روزه‌گرفتن، دوری از تحریکات، ازدواج موقت و نظایر آن، راه‌حل مقبول نیست، رویکردهای جوانان نسل جدید تغییر کرده و آنها نگرش متفاوتی به زندگی و روابط انسانی دارند. شاید اگر دخالت حوزه عمومی در زندگی خصوصی مردم نبود، شاهد چنین بی‌پروایی‌ها و برده‌دربی‌هایی نبودیم با اینکه این‌معضلات به پای دولت نوشته نمی‌شد. نمونه آن ممنوعیت استفاده از اقامتگاه‌ها و هتل‌ها بدون داشتن مدارک محرمت است.

در ایران امروز، تحولات درون‌زا باعث شده دختران و پسران در سخن‌گفتن از امیال و روابط خود شرمندة نباشند و به‌صراحت به انتقاد از سنت‌ها بپردازند. تأخیر و کاهش میزان زاد و ولد هم تا حد زیادی ناشی از این نگرش است که افراد می‌خواهند برای بهره‌گیری خود از



• در بی‌وقوع کم‌آبی شدید و قطعی آب چندروزه در سطح شهر همدان، شهرداری همدان با کمک اداره آب و فاضلاب شهری اقدام به توزیع آب شرب در ساعات مختلف روز می‌کند. عکس: عبدالرحمن راقتی، نسیم

### دغدغه‌های طبیعیانه

## ماهی که گم شد



عبدالرضا ناصر مقدسی

متخصص مغز و اعصاب

بعد از یک روز خسته‌کننده و طولانی، شب‌هنگام در ماهسوی تهران به خانه برمی‌گشتم. انبوه خودروها در ترافیکی سرسام‌آور راه‌ها و بزرگراه‌ها را می‌پیمودند و من فکر می‌کردم که چقدر از عمرم باید در این ترافیک و این صدای بوق و ناسزا و… تباه شود. اما چاره‌ای نبود باید هر روز این راه را بروم و برگردم. برای همین دنبال دلخوشی‌هایی می‌گردم که بتواند به من یاری ببخشد و امید بدهد. گاهی موسیقی گوش می‌دهم. آهنگساز محبوب من کیارتو است که اوج‌های حماسی آهنگ‌هایش با آنچه در این شهر بی‌قانون و افسارگسیخته می‌بینم، ترکیب جالبی را به وجود می‌آورد. گاهی به یادکست گوش می‌دهم و گاهی که خسته‌تر از آن هستم که ذهن و گوشم را به ندایی بسپارم، به این هیاهو خیره می‌شوم و دل‌دل می‌کنم که کی قرار است این راه به پایان برسد. اما به‌ندرت یک تصویر زیبا شب‌های کسل‌کننده ترافیک‌های بی‌پایان تهران را زیا می‌کند و آن شب هم یکی از آن معدود شب‌ها بود. داشتم برمی‌گشتم که تصویر بزرگ ماه در آسمان نظرم را به خود جلب کرد. ماه بزرگی که نورش در میان این‌همه نور مزاحم شهر هنوز درخشان بود. آن‌قدر این صحنه برای من تأثیرگذار بود که می‌خواستم همان‌جا بایستم و از آن عکس بگیرم. حیف که سرعت بالای خودروها مانع از آن می‌شد که بتوان در گوشه‌ونگار این راه‌ها جایی برای ایستادن پیدا کرد. پس گفتم به اولین جای ممکن که رسیدم خودرو را نگه می‌دارم و عکسم را می‌گیرم. اما پس از اینکه بعد از زمانی طولانی ترافیک شبانه به من اجازه داد در گوشه‌ای پارک کنم، از ماه خبری نبود. هرچه گشتم فقط آسمان خراش‌های بی‌قواره‌ای بود که جلوی هر نوری را می‌گرفت. جلوی هر دلخوشی‌ای را، ماه گم شده بود و من فقط می‌توانستم خاطره آن لحظه زیبا را در ذهنم ثبت کنم. همین.

و مشاغل دولتی بودند.

«ضیا عمر»، ۵۰ساله است و به مدت ۳۵ سال به‌عنوان تکنسین آزمایشگاه در این کارخانه کار کرده است. مانند بسیاری از زنان هم‌نسل خود در کارخانه، او در طول یک دهه اشغال توسط شوروی استخدام شد و آموزش دید. «عمر» زنی با خنده‌های ملایم است که با حجاب صوتی مشغول کار است. عمر می‌گوید که در زمان دولت قبلی طالبان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ مجبور به ترک کار خود شده و تقریباً شش سال در خانه گیر کرده است. دستمزد شوهرش به‌عنوان مهندس در کارخانه بسیار ناچیز بود، عمر تصمیم گرفت که بتواند از خانه کمک کند. او یک چرخ خیاطی خرید و در بقیه مدت زمامداری حکومت طالبان شروع به دوخت‌ودوز کرد و همسرش آنها را در بازار می‌فروخت. بعد از این همه سال تجربه یک چیز برای عمر روشن است، او با ترکیبی از غم و عصبانیت می‌گوید: «از جنگ خسته شده‌ام، من فقط صلح و ثبات را برای کشورم می‌خواهم، فکر نمی‌کنم این درخواست زیادی باشد».

این بار اما هنوز او سرکار است و به یاد می‌آورد پیش از ظهور طالبان مردان

و زنان در کنار یکدیگر به فعالیت ادامه می‌دادند. نوری می‌گوید: «همکاران مرد با من مانند خواهر یا دختر رفتار می‌کردند؛ بسیار حرفه‌ای و محترمانه». یکی دیگر از کارمندان زن کارخانه به حضور طالبان در کارخانه اشاره می‌کند. سه ماه پس از بازپس‌گیری کشور توسط طالبان، نمایندگان‌ی از وزارت امر به معروف و نهی از منکر به این کارخانه آمده‌اند. این وزارت به اجرای مجازات‌های وحشیانه ازجمله شلاق و ضرب‌وشتم برای بخش موسیقی، تماشای فیلم و سایر تخلفات «اخلاقی» در دولت طالبان مشهور است.

«آدریا» به آرامی می‌گوید: «آنها می‌گفتند که شایسته نیست یک زن مسئول

آزمایشگاه باشد و مدیریت کارکنان دیگر را بر عهده داشته باشد. بنابراین آنها

من را از مدیریت آزمایشگاه برکنار کرده‌اند و به‌جای آن یک مرد را منصوب

کردند». پس از آن تفکیک جنسیتی در سراسر دفاتر و آزمایشگاه‌ها اجرا و

دستور منع دسترسی زنان در برخی از بخش‌های کارخانه صادر شد.